

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدين يوم وبر زنده يك تن مبار
از آن به که کشور به دشمن دهيم

چو کشور نباشد تن من مبار
همه سر به سرتون به کشتني دهيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ابسي - فرهنگي

استاد محمد نسيم «اسير»

بن – المان، آگسٹ ۲۰۰۰ م

شَل و شُت

امشب دلم ز لعل لب او عسل شده
يعنى که يك دو بوسه گک بي خلل شده
از بسکه از ليش طلب بوسه مى کنم
يار از شنيدن سخن من گسل شده
نبود خ——ل پذير بنای محبت
گرچه درين زمانه همه پر خلل شده
او بر سرير ناز نشسته است و اشك من
جاري به پيش پاي سفيد ش چونل شده
از گرمى محبت آن سيمبر به من
بنگر چه آتشی به دل خلق بل شده
باشه که چند دوسيه و پارسل شده
سرنامه شکایت عاشاق در غمش
بسیار تلخ و تند شنیدم ز مردمان
صدبار، ريز بر سر من مثل جل شده
چون کوه صیر با همه بر خورد کرده ام
صبر و گذشت من به عزيزان مثل شده
برخیز اي رقیب ز بزم نشاط او
کز چهره تو محفل دلبر چتل شده
درد و غم وطن به دلم خانه کرده است
غمname فراق، دو چندان دبل شده
نافش به خاک توده افغان ختل شده
گرچه يگانه قدرت دوران بواد و ليک
این لقمه بزرگ دهن پاره مى کند
شنیده است، روس چسان حل و مل شده
هرکس که پازروی طمع پيش کرده است
در قسمتش خجالت و مرگ و اجل شده
در دل «اسير» رسیده به دست و پا
در بستر او فتاده و بیچاره شل شده